



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۵ آذر ۱۳۹۶

مصادف با: ۲۷ ربیع الأول ۱۴۳۹

جلسه: ۳۰

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الأول: غسل الوجه

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

## فصل فی أفعال الوضوء

### الأول: غسل الوجه

«و حدّه من قصاص الشعر إلى الذّقن طولاً و ما اشتمل علیه الإبهام و الوسطی عرضاً»<sup>۱</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، اولین فعل از افعال وضو شستن صورت است. حد و مرز شستن صورت، به حسب طول از محل روییدن مو تا چانه است و به حسب عرض، بین انگشت ابهام و وسطی است.

دلیل وجوب شستن صورت در وضو

دلیل اول: اجماع و ضرورت دین

وضو عبارت از دو شستن و دو مسح است که اولین شستن آن، شستن صورت است. علماء بر حکم به وجوب شستن صورت در وضو، اجماع کرده‌اند. بعضی از علما گفته‌اند که شستن صورت از ضروریات دین است.

دلیل دوم: آیات

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»<sup>۲</sup>.

دلیل سوم: روایات

روایات کثیره‌ای نیز وارد شده‌اند که مقدار شستن صورت را تعیین کرده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: امام باقر (ع) در روایت صحیح ذیل کیفیت وضوی رسول اکرم (ص) را مطرح کرده است:

عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وُضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ «فَدَعَا بِطَشْتٍ أَوْ تَوْرٍ فِيهِ مَاءٌ فَغَمَسَ يَدَهُ الْيُمْنَى فَغَرَفَ بِهَا غُرْفَةً فَصَبَّهَا عَلَى وَجْهِهِ فَغَسَلَ بِهَا وَجْهَهُ ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُسْرَى فَغَرَفَ بِهَا غُرْفَةً فَأَفْرَغَ عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُمْنَى فَغَسَلَ بِهَا ذِرَاعَهُ مِنَ الْمِرْفَقِ إِلَى الْكَفِّ لَا يَرُدُّهَا إِلَى الْمِرْفَقِ ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُمْنَى فَأَفْرَغَ بِهَا عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُسْرَى مِنَ الْمِرْفَقِ وَصَنَعَ بِهَا مِثْلَ مَا صَنَعَ بِالْيُمْنَى ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ وَقَدَمَيْهِ بِبَلَلِ كَفِّهِ...»<sup>۳</sup>.

«تور» ظرف کوچکی از جنس خاص که معمولاً برای وضو استفاده می‌شده است.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ (ع)؛ أَخْبَرَنِي عَنْ حَدِّ الْوَجْهِ الَّذِي يَنْبَغِي أَنْ يُوضَأَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَقَالَ: «الْوَجْهُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِغَسْلِهِ الَّذِي لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَزِيدَ عَلَيْهِ وَلَا يَنْقُصَ مِنْهُ، إِنْ زَادَ عَلَيْهِ لَمْ يُوجَرْ وَإِنْ

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقى، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. «المائدة»: ۶.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۸۸، ح ۳.

نَقَصَ مِنْهُ أَثِمَ مَا دَارَتْ عَلَيْهِ الْوُسْطَىٰ وَالْإِبْهَامُ مِنْ قُصَاصِ شَعْرِ الرَّأْسِ إِلَى الذَّقَنِ وَ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ الْأَصْبَعَانِ مُسْتَدِيرًا فَهُوَ مِنَ الْوَجْهِ  
وَمَا سِوَى ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ الْوَجْهِ» فَقَالَ لَهُ: الصَّدُغُ مِنَ الْوَجْهِ؟ فَقَالَ: «لَا»<sup>۱</sup>.

روایت سوم: عَنْ حَرِيرٍ عَنْ زُرَّارَةَ؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنْ حَدِّ الْوَجْهِ الَّذِي يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُوضَّاءَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَقَالَ: «الْوَجْهُ  
الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِغَسْلِهِ الَّذِي لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَزِيدَ عَلَيْهِ وَلَا يَنْقُصَ مِنْهُ إِنْ زَادَ عَلَيْهِ لَمْ يُوجَرْ وَإِنْ نَقَصَ مِنْهُ أَثِمَ مَا دَارَتْ عَلَيْهِ  
السَّبَابَةُ وَالْوُسْطَىٰ وَالْإِبْهَامُ مِنْ قُصَاصِ الرَّأْسِ إِلَى الذَّقَنِ وَ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ الْأَصْبَعَانِ مِنَ الْوَجْهِ مُسْتَدِيرًا فَهُوَ مِنَ الْوَجْهِ وَ مَا سِوَى  
ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ الْوَجْهِ» قُلْتُ: الصَّدُغُ لَيْسَ مِنَ الْوَجْهِ؟ قَالَ: «لَا»<sup>۲</sup>.

در روایت مذکور، علاوه بر انگشت وسطی و ابهام، انگشت سبابه نیز ذکر شده است.

گفته‌اند که ذکر سبابه، ثمره‌ای ندارد زیرا وقتی که انگشت وسطی ملاک قرار گرفت، سبابه نیز خود به خود در ضمن آن قرار  
می‌گیرد [چون که صد آمد نود هم پیش ماست] و نیازی به ذکر سبابه نیست لذا ثمره‌ای بر ذکر سبابه مترتب نمی‌شود چون انگشت  
وسطی از انگشت سبابه بزرگتر است لذا وقتی فاصله انگشت وسطی و ابهام ملاک برای شستن صورت قرار گرفت انگشت سبابه  
نیز در این محدوده داخل است.

**سؤال:** اگر ذکر سبابه ثمری ندارد، چرا سبابه در روایت، ذکر شده است؟

آیت الله خویی (ره) و بعضی از بزرگان دیگر گفته‌اند که ذکر «سبابه» در روایت بر حسب جریان عملی خارج است، یعنی وقتی  
در خارج انسان می‌خواهد وضو بگیرد عملاً انگشت سبابه نیز در جریان عملی وضو، دخالت دارد لذا از این باب ذکر شده است  
نه اینکه در تحقق وضو حتماً باید انگشت سبابه نیز باشد.

دلیل مهمتر برای اینکه انگشت سبابه نقش ندارد این است که در عین حال که انگشت سبابه در روایت [روایت دوم] ذکر شده است،  
ولی در نهایت کلمه «اصبعان» به کار برده شده است و حال آنکه اگر سبابه نقش کلیدی داشت باید کلمه «اصابع» را به کار می‌برد.  
**سؤال:** آیا «وجه» یک اصطلاح شرعی و حقیقت شرعیه است؟ یعنی آیا امام (ع) که وجه را طولاً و عرضاً تبیین کرده است در  
مقام این بوده است که بفرماید که «وجه» یک اصطلاح شرعی دارد و کلمه «وجه» برای این معنی حقیقت شرعیه است؟

**پاسخ:** «وجه» حقیقت شرعیه ندارد و امام (ع) در واقع در مقام بیان مفهوم «وجه» بوده است که از عرف استفاده می‌شود، یعنی  
امام (ع) همان چیزی را که از عرف استفاده می‌شود، توضیح داده و در مقام بیان یک اصطلاح جدید نبوده است. «وجه» به معنای  
رو به رو است لذا وجه همان مقداری از صورت است که موی سر در آن نیست و پایین‌تر از چانه نیست [هرچند که بعضی از اهل  
سنت معتقدند که هنگام شستن صورت تا آخر موی ریش نیز باید شسته شود؛ هرچند که ریش بلند باشد]. بنابراین، «وجه» یک  
مفهوم عرفی است و یک حقیقت شرعی و اصطلاح جدید نیست.

**اشکال:** سؤال زراره از معنای «وجه» دلیل بر این است که او به دنبال معنای جدید «وجه» و معنای حقیقت شرعیه «وجه» بوده  
است و تعیین محدوده «وجه» از جانب امام (ع)، خود دلیل بر حقیقت شرعیه بودن «وجه» است چون امام (ع) در مقام شارع به  
محدوده «وجه» اشاره کرده است.

۱. همان، باب ۱۷، ص ۴۰۳، ح ۱.

۲. کلینی، کافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، کتاب الطهارة، باب حد الوجه الذي يغسل، ص ۲۷، ح ۱.

**پاسخ:** صورت، چیز جدیدی نبوده است که در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) به وجود آمده باشد، بلکه مردم از زمان پیامبر اکرم (ص) وضو می‌گرفته‌اند و «وجه» و صورت از زمان حضرت رسول اکرم (ص) به عنوان یک حقیقت عرفی مطرح و شناخته شده بوده است ولی با توجه به اینکه اهل سنت به گونه‌ای دیگر وضو می‌گرفته‌اند زراره از امام (ع) خواسته است که تبیین روشن‌تری از «وجه» ارائه دهد و پافشاری زراره بر تبیین روشن‌تر از «وجه» باعث شده است که امام باقر (ع) به تبیین آن پردازد و امام (ع) همان معنای عرفی زمان پیامبر (ص) را مطرح کرده است و چیز جدیدی به نام حقیقت شرعی را مطرح نکرده است. تفاوت نظر امامیه با نظر بعضی از عامه این است که امامیه معتقدند که در شستن صورت واجب است که ما بین رستن‌گاه مو تا چانه از حیث طول و ما بین انگشت ابهام و وسطی از حیث عرض، شسته شود، ولی بعضی از اهل سنت از جمله شافعیه، مالکیه و حنابلّه در محدوده شستن صورت گفته‌اند: «يبتدأ من منابت شعر الرأس المعتاد و ينتهي الى اخر الذقن لمن ليس له لحية و الى آخر شعر اللحية لمن له لحية و لو طالت»، شروع شستن صورت از محل رویدن مو در سر متعارف و معمولی است و انتهای شستن تا آخر چانه است برای کسی که ریش ندارد و آخر موی ریش است برای کسی که ریش دارد؛ هرچند که ریش، بلند باشد. بعضی از شافعیه معتقدند که زیر چانه نیز از صورت محسوب می‌شود لذا شستن آن واجب است: «تحت الذقن من الوجه فيجب غسله».

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و الأنزع و الأغم و من خرج وجهه أو يده عن المتعارف يرجع كلّ منهم إلى المتعارف فيلاحظ أنّ اليد المتعارفة في الوجه المتعارف إلى أيّ موضع تصل و أنّ الوجه المتعارف أين قصاصه، فيغسل ذلك المقدار»<sup>۱</sup>. به نظر مرحوم سید (ره)، کسانی که موی جلو سرشان ریخته است و یا کسانی که جلو سرشان بیش از حد معمول، مو دارد و کسی که صورتش یا دستش از حد متعارف خارج شده است [، یعنی صورت و دستش عجیب و غریب است] به متعارف رجوع می‌کنند [، یعنی آن مقداری را باید بشویند که افراد معمولی و متعارف، می‌شویند]، پس باید ملاحظه کند که دست متعارف در صورت متعارف تا چه موضعی می‌رسد و رستن‌گاه موی صورت متعارف از کجاست، پس آن مقدار متعارف را بشوید. علت اینکه مرحوم سید (ره) فرموده است که در شستن صورت، به متعارف مراجعه شود این است که صورت محدود به حدودی است که با عدم رویدن مو توسعه پیدا نمی‌کند و با رویدن مو نیز تضییق پیدا نمی‌کند و «وجه» نوسان ندارد که با نرویدن مو، وسعت پیدا کند و با رویدن مو، کوچک شود و تضییق پیدا کند لذا در رابطه با «أنزع» گفته نمی‌شود که صورت چنین شخصی طویل است و در رابطه با «أغم» نیز گفته نمی‌شود که صورت چنین شخصی کوچک است، بلکه گفته می‌شود که «أنزع» کسی است که مو ندارد و «أغم» کسی است که موی بیش از حد معمول دارد؛ هرچند که بین افراد متعارف نیز اختلاف وجود دارد و صورت بعضی از افراد متعارف طولانی‌تر و صورت بعضی کوچک‌تر است که حکم این افراد، إن شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»